

مجازات های بی امان

« ۲ »

۳- طرح قانونی مربوط به تشدید مجازات رانندگان متخلف:

« ماده واحده - هر راننده اعم از اینکه شغل او رانندگی باشد یا نباشد شخصاً و یا بشرکت دیگری بقصد قتل یا سرقت اموال یا هتک ناموس مرتکب ربودن شخص یا اشخاصی که در آن وسیله نقلیه است بشود در صورت وقوع قتل محکوم باعدام است و دادرسان حق ندارند مجازات را حتی یک درجه تخفیف دهند - و در صورت وقوع سرقت و یا هتک ناموس بعنف بحبس ابد و در صورت شروع بقتل یا شروع بسرقت و یا شروع بهتک ناموس بعنف بحبس با اعمال شاقه از پنج تا پانزده سال مجازات خواهد شد » .

ما در شماره قبل این مجله دو مورد از مواردی که با گذراندن لوایحی قوه مجریه در حقیقت اعمال ارفاق یا تخفیف را از دادرسان سلب کرده است بیان داشتیم و علل و موجبات وضع چنین قوانینی را با توجه باوضاع متشنج محیط یا دخالت اشخاص غیر مسئول یا تفویض اختیارات در اثر پیش آمده های غیر منتظر روشن ساختیم اینک در اینجا قانون دیگری را که در فوق نوشته شده میخوانیم تشریح کنیم که قوه مقننه بموجب طرحی اعمال ارفاق را از دادرسان و قوه قضائیه سلب کرده و بالمآل مجازات بی امانی را تجویز کرده است .

با استفاده از گفته های مخبر کمیسیون مجلس سنا و پاسخی که وزیر دادگستری وقت در مجلس سنا داده اند انتقادات بقانون روشن میگردد :

« این لایحه اصلاً طرحی بوده است که مجلس شورای ملی بر اثر یک جریان شومی که پارسال پیش آمد تصویب کردند چون نظراً تشدید بود که با موافقت مجلس شورای ملی نوشته بودیم که محاکم حق تخفیف نه نسبت به مجازات اعدام دارند نه نسبت به مجازات حبس مجلس شورای ملی سلب حق تخفیف را اختصاص دادند بمورد اعدام و دیگر در مورد حبس محکمه را آزاد گذاشتند که تخفیف بدهد ... »

شرح فوق خلاصه گفته مخبر کمیسیون بود که وزیر دادگستری وقت در پاسخ

اظهار داشتند :

« دو نکته است که اگر در قانون گذاری توجه نشود مشکلاتی بعد پیش میآید یکی اینکه گاهی اوقات روی یک احساسات یا وضع غیر عادی یک طرح یا لایحه ای تهیه میشود یا یک لوایحی بعجله داده میشود و وقتی مراحلش را طی می کند متوجه میشوند

مجازات های بی امان

که یک مشکلاتی ایجاد میشود: این قانون لایحه قانونی نبود طرحی بود که در یک وضع غیرعادی از طرف مجلس شورای ملی پیشنهاد شده که باید صریحاً گفته شود که این ماده واحده یک قسمتش بر خلاف اصل است و یک قسمتش بر خلاف قانون مجازات عمومی یا بلکه بر خلاف اصل قانون مجازات دنیاست

یک وضع غیر عادی یعنی شروع بسرقت را مجازات حبس با اعمال شاقه پنج تا پانزده سال گذاشته اند در هیچ جای دنیا این نیست ما یک ماده ای داریم که شروع بسرقت مسلحانه مجازاتش این است که در طرق و شوارع شده ولی برای شروع بسرقت یک اتومبیل چنین مجازات را قائل شده اند

حال از بحث و انتقادی که در اطراف طرح فوق الذکر بعمل آمده و بصورت بالا بتصویب رسیده مطالب روشن شد و نظریات مقامات مؤثر اشعار گردید دیگر جای سخنی برای ما باقی نیست گذشته از آن مطالب که تکرار و موشکافی بیشتری در اطراف آن جائز نمی باشد بحث های اصولی دیگری بنظر میرسد که گفتن آن خالی از عیب است

همانطور که قاضی باید در محیط آرام و بدون دغدغه خاطر موضوعات مطروحه را با طمأنینه وجدان در ترازوی قانون و عدالت گذاشته نه از تشبث این و آن و زور گوئی صاحبان مقام بهراسد و نه از بیچارگی درماندگان احساسات را بر حقایق مکشوفه برتری و ترجیح دهد و بالاخره همانطور که وضع و شریف، فقیر و غنی در نزد او یکسان است و چشم حقیقت بین او چشم قانون است سایر مراجع مملکتی که کشتی طوفان زده کشور را رهبری میکنند باید از احساسات و آلودگی ها و تشنجات محیطی که بسا اوقات در اثر پیش آمدهای کوچک و ناگوار روی میدهد دوری جویند: آن تشنجاتی که گاهگاهی بعقل و جهات غیر مأموس در اثر وقوع جنایات افکار عمومی را جریحه دار و مسموم می سازد!

ما در شماره قبل در اطراف عدالت توضیحاتی دادیم؛ در این جا میخواهیم بگوئیم که عدالت و عدالت خواهی بداد گستری اختصاص ندارد: نه تنها قاضی و دادرس باید همه وقت و همه جا افاضه عدل کند بلکه اقتضای اجرای عدالت کامل و عدالت اجتماعی این است که تمام دستگاهی که هر کدام بنحوی از انحاء عهده دار چرخاندن چرخهای مملکت هستند در کار خود عادل باشند: از مأمور وصول درآمد دولت، از مأمور انتظامی، از مأمور پست و سایر کارکنان و خدمتگذاری که جزء دستگاه هیئت حاکمه محسوب میشود باید امین و عادل باشد زیرا بقول اردشیر سرسلسله ساسانیان «عدل فراهم آورنده خیر و نگهدارنده ملک است، از زوال و اختلال» یا بقول مؤبد بزرگی که به بهرام دوم بطور اندرز سخن بمیان آورده و میگوید: «راهی بعمران و آبادی نمی باشد مگر بعدل و عدل ترازویی است که آفریدگار کل میان آفریدگان پیا داشته است...» یا بقول ارسطو در کتاب سیاست: «جهان بستانی است که حصارش دولت است دولت سلطانی است که سنت بدان احیا میگردد. سنت سیاستی است که سلطنت آنرا بکار می بندد. سلطنت نظامی است که سپاه آنرا معاضدت می کند

مجازات های بی‌امان

سپاه اعوان و یارانی میباشند که مال آنرا کفایت مینماید - مال رزقی است که رعیت آنرا فراهم میآورد - رعیت بندگانی هستند که عدل آنرا نگهدار میباشند - عدل مألوف و مشروعی است که قوام جهان بآن است «

وضع قانون بآن صورت که در بالا ملاحظه شد و غایت آن برای واضعین البته رفع هرج و مرج و حفظ جامعه میباشد هر چند امیدوارم که قانون مزبور به آزمایش و عمل برسد و مصداتی پیدا نکند و جزء قوانین معطله فراموش گردد - دست و پای دادرس را بکیفیتی که مندرجات ماده واحده نگارش یافته باسلب حق تخفیف از دادرس (آن مقداری که قانون مجازات عمومی باتوجه باوضاع و احوال اجازه داده است) خواهد بست و بالتیجه مشکلات جدیدی را بوجود خواهد آورد.

باید امیدوار بود که مردم آرام و حق شناس این مملکت چنین خطایائی از آنها سر نزنند و مرتکب جرائم منظور در قانون فوق نشوند.

آنچه که از قوانین ما توانستیم (کیفرهای بی‌امان) را استخراج کنیم ظاهراً منحصر بسه مورد فوق بود که با در نظر گرفتن تاریخ وضع آن و پیش آمد های شومی که ضرورت وضع و اجرای آنرا جامعه احساس کرده مولود حوادث و وقایعی است که مقتضیات آنرا بوجود آورده است البته امیدواری هست همانطور که در جریان مذاکرات در مجلس هویدا است و نوید داده‌اند یا اصلاحاتی در آن بعمل آورند و یا تعدیلاتی ضمن قوانین دیگر که غرض و غایت در وضع قوانین همانا بقاء اجتماع است مرعی دارند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی